

بسمه تعالی

فرم بلند پرسشنامه شخصیتی MMPI

(566 سؤالی)

پرسشنامه ی چند وجهی شخصیتی مینه سوتا

فرم بلند پرسشنامه MMPI

سؤالات پرسشنامه را به دقت بخوانید و طبق دستورالعمل زیر پاسخ دهید .

(1) تعداد سؤالات 566 تا است. بدقت بخوانید و به همه سؤالات پاسخ دهید.

(2) جوابها را درپاسخنامه علامت بگذارید و ازگذاشتن هرگونه علامت در پرسشنامه خودداری کنید. در مقابل هر سؤال دو دایره وجود دارد، که در بالای هر یک (بله) و (خیر) نوشته شده است.

(3) هر یک از سؤالات را به دقت بخوانید، اگر درمورد شما صدق می کند با زدن علامت در داخل دایره (بله) و اگر درمورد شما صدق نمی کند با زدن علامت در داخل دایره (خیر) آن را پر کنید.

(4) اگر در مورد بعضی از سؤالات تقریباً و یا تا اندازه ای موفق هستند در داخل دایره (بله) علامت بگذارید.

(5) اگر درمورد بعضی از سؤالات تقریباً و یا تا اندازه ای مخالف هستید در داخل دایره (خیر) علامت بگذارید.

(6) لطفاً به تمام سؤالات پاسخ دهید .سعی کنید سؤالی را از قلم نیاندازید.

مثال : به نظر می رسد که هیچکس در زندگی مرا درک نمی کند.

بله

خیر

کار یک کتابدار را دوست دارم.

بله

خیر

- 1- مجلات مکانیکی را دوست دارم.
- 2- اشتهایم خوب است.
- 3- صبح ها تر و تازه و استراحت کرده از خواب بیدار می شوم.
- 4- فکر می کنم از شغل کتابداری خوشم بیاید.
- 5- با مختصر صدایی از خواب بیدار می شوم.
- 6- از خواندن مقالات جنائی در روزنامه خوشم می آید.
- 7- دستها و یا پاهایم معمولاً به اندازه کافی گرما و حرارت دارند.
- 8- زندگی روزانه من پر از حوادثی هست که مرا علاقه مند نگاه می دارد.
- 9- در میزان قدرت من برای کار کردن خللی وارد نشده است.
- 10- اغلب اوقات حس می کنم که چیزی در گلویم گیر کرده است.
- 11- انسان باید خوابهای خود را درک کند و از آنها الهام بگیرد.
- 12- از داستانهای پلیسی و معمائی خوشم می آید.
- 13- تحت فشار زیاد می توانم کار نکنم.
- 14- در ماه یکبار و یا بیشتر اسهال می گیرم.
- 15- گاهی اوقات راجع به موضوعاتی که صحبت درباره آنها خیلی ناپسند است فکر میکنم.
- 16- مطمئن هستم که در زندگی سرم کلاه رفته است.
- 17- پدرم مرد خوبی بود (هست).
- 18- خیلی بندرت دچار یبوست می شوم.
- 19- زمانیکه شغل جدیدی می گیرم دلم می خواهد کسی به من بگوید که با چه کسانی بیشتر در کارم باید نزدیک شوم.
- 20- زندگی جنسی من رضایت بخش است.

- 21- گاهی اوقات خیلی دلم می خواهد خانه و زندگی خودم را ترک کنم.
- 22- گاهی اوقات به من حالات خنده و گریه دست می دهد که از کنترل آن عاجز هستم.
- 23- ناراحتی های دل بهم خوردگی و استفراغ دارم.
- 24- هیچکس مرا درک نمی کند.
- 25- دلم می خواست خواننده می شدم.
- 26- احساس می کنم وقتی گرفتاری برایم پیش می آید بهتر است حرفی نزده سکوت کنم.
- 27- گاهی ارواح پلید بر وجودم مستولی می شوند.
- 28- وقتی کسی به من بدی می کند احساس می کنم بخاطر اصول هم که باشد باید تلافی کنم.
- 29- هفته ای چند بار معده ام ترش می کند.
- 30- گاهی اوقات دلم می خواهد فحش بدهم.
- 31- هر چندشب یکبار خوابهای آشفته می بینم.
- 32- برایم مشکل است روی یک کار و یا شغل تمرکز فکر داشته باشم.
- 33- تجربیات عجیب و غریبی در زندگی خود داشته ام.
- 34- اغلب اوقات سرفه می کنم.
- 35- اگر مردم مانع من نمی شدند بیشتر از این ترقی می کردم.
- 36- خیلی بندرت درباره سلامتی مزاج خودم دلوپسی دارم.
- 37- هرگز بخاطر رفتارهای جنسی خودم دچار گرفتاری نشده ام.
- 38- در یک دوره از زندگیم زمانیکه جوانتر بودم دزدیهای کوچکی می کردم.
- 39- گاهی اوقات دلم می خواهد اشیاء اطرافم راخورد کنم.

- 40- اغلب اوقات مایلم گوشه ای نشسته و به خیالات خودم فرو بروم تا اینکه کاری انجام بدهم.
- 41- خیلی از اوقات مثلاً چند روزدر هفته و یا چند ماه اتفاق افتاده است که کاری انجام نداده ام چون دست و دلم بکار نمی رفته است.
- 42- خانواده ام از کاری که انتخاب کرده ام راضی نیستند.
- 43- خواب من آشفته و ناراحت کننده است.
- 44- اغلب اوقات مثل این است که همه جای سرم درد می کند.
- 45- همیشه راست نمی گویم.
- 46- قضاوت من از گذشته بهتر است.
- 47- هفته ای یکبار و یا بیشتر ناگهان احساس گرمی در سراسر وجودم می کنم بدون اینکه ظاهراً علتی در کار باشد.
- 48- وقتی با مردم هستم از شنیدن حرفهای خیلی ناراحت کننده ناراحت می شوم.
- 49- خیلی بهتر بود اگر اغلب اوقات قوانین را دور می ریختند.
- 50- گاهی روح از بدنم خارج می شود.
- 51- مانند اغلب دوستانم از نعمت سلامتی برخوردار هستم.
- 52- ترجیح می دهم از کنار دوستان دوران تحصیلی و یا اشخاصی که آنها را می شناسم ولی مدتهاست که آنها راندر دیده ام رد بشوم و حرفی نزنم مگر این که آنها ابتدا با من صحبت کنند.
- 53- یک روحانی می تواند با دعا خواندن و قرار دادن دست خود روی بیمار او را شفا دهد.
- 54- اغلب اشخاصی که مرا می شناسند مرا دوست دارند.

- 55- هیچوقت احساس درد در ناحیه قلب و یا سینه ام نمی کنم.
- 56- وقتی بچه بودم بعلت غیبت یک یا چندبار موقتاً از مدرسه اخراج شدم.
- 57- در میهمانی و مجالس خوب می توانم با دیگران گفتگو و صحبت کنم.
- 58- همه وقایع همانطوریکه پیامبران کتب آسمانی پیشگویی کرده اند به حقیقت می پیوندد.
- 59- خیلی از اوقات مجبور شده ام دستور از کسی بگیرم که کمتر از من می دانسته است.
- 60- من هر روز تمام سر مقاله روزنامه ها را مطالعه نمی کنم.
- 61- زندگی من صحیح و به قاعده نبوده است.
- 62- بعضی از اعضاء بدنم اغلب اوقات احساس سوزش یا ضعف دارد و به خواب می رود.
- 63- هیچوقت ناراحتی بخاطر کار کردن مزاحم نداشته ام.
- 64- گاهی آنقدر در کاری اصرار می کنم که سایرین صبرشان را از دست می دهند.
- 65- من پدرم را خیلی دوست داشتم(دارم).
- 66- من در اطراف خود حیوانات و یا اشیاء و یا مردمی را می بینم که دیگران از دیدن آنها عاجز هستند.
- 67- خیلی دلم می خواست مثل سایر مردم خوشحال بودم.
- 68- هیچوقت در پشت سرم دردی احساس نکرده ام.
- 69- خیلی شدید از نظر جنسی به همجنسان خود علاقه دارم.
- 70- از بازیهای دخترانه یک زمانی لذت می بردم.

- 71- تصور می‌کنم خیلی از مردم در اظهار ناراحتی‌های خودشان بخاطر بر
انگیزگی احساسات ترحم و شفقت آمیز سایرین زیاده روی می‌کنند.
- 72- هر چند روز یکبار یا بیشتر احساس ناراحتی و دلشوره می‌کنم.
- 73- من شخص مهمی هستم.
- 74- خیلی از اوقات آرزو می‌کردم دختر بودم (اگر دختر هستید) هیچوقت از
اینکه دختر هستم متأسف نبوده‌ام.
- 75- گاهیگاهی عصبانی می‌شوم.
- 76- اغلب اوقات افسرده و کسل هستم.
- 77- از خواندن داستانهای عشقی لذت می‌برم.
- 78- شعر را دوست دارم.
- 79- احساسات من زود جریحه دار نمی‌شوند.
- 80- گاهیگاهی سر به سر حیوانات می‌گذارم.
- 81- فکر می‌کنم از کار یک جنگلیان خوشم بیاید.
- 82- در مباحثات زود قانع می‌شوم.
- 83- هر کس که بتواند و بخواهد زیاد کار کند شانس موفقیتش زیاد است.
- 84- این روزها برای من مشکل است که امیدوار باشم که کاره‌ای خواهم شد.
- 85- گاهیگاهی خیلی علاقه به اشیاء شخصی مردم مثل کفش، دستکش و غیره پیدا
می‌کنم بطوریکه دلم می‌خواهد به آنها دست زده یا آنها را برابیم در حالیکه
استفاده‌ای هم از آنها نمی‌کنم.
- 86- اطمینان دارم که اعتماد به نفس در من وجود ندارد.
- 87- دلم می‌خواهد گلفروشی کنم.
- 88- معمولاً احساس می‌کنم که زندگی با ارزش است.

- 89- معمولاً برای قبولاندن حقیقت به مردم احتیاج به مباحثه زیاد است.
- 90- گاهگاهی کار امروز را به فردا موکول می کنم.
- 91- از اینکه با من شوخی کنند بدم نمی آید.
- 92- دلم می خواهد پرستار شوم.
- 93- فکرمی کنم اغلب مردم برای ترقی کردن به دروغ گویی متوسل می شوند.
- 94- خیلی اعمال از من سرمی زند که بعداً از آنها پیشیمان می شوم(پشیمانی من خیلی بیشتر از سایرین است).
- 95- اعمال مذهبی خود را مرتب انجام می دهم.
- 96- خیلی بندرت با اعضاء خانواده ام مرافعه می کنم.
- 97- گاهگاهی احساس قوی دارم که کاری مضر و یا منجر کننده انجام دهم.
- 98- اعتقاد به رستاخیز امام زمان دارم.
- 99- دوست دارم به جشنها و سایر مراکزی که همراه با پایکوبی و سر و صدای بلند است بروم.
- 100- بقدری با مشکلات متعدد برخورد کرده ام که نمی توانم درباره آنها تصمیم بگیرم.
- 101- اعتقاد دارم که زنها باید به اندازه مردها در امور جنسی آزادی داشته باشند.
- 102- مشکلترین جنگ و ستیزهای من با خودم است.
- 103- ماهیچه های بدنم لرزش و پرش ندارند.
- 104- اهمیتی نمی دهم که چه بر سرم بیاید.
- 105- گاهی اوقات که حال خوب نیست عصبانی هستم.
- 106- خیلی اوقات احساس می کنم کارخلاف و یا شیطانی انجام داده ام.

- 107- اغلب اوقات خوشحال هستم.
- 108- بیشتر اوقات مثل این است که سرم سنگین و دماغم گرفته است.
- 109- بعضی ازمردم بقدری همیشه دستور می دهند که احساس می کنم باید مخالف آنچه را که می خواهند انجام بدهم ولو اینکه بدانم حق با آنهاست.
- 110- کسی نسبت به من خصومت دارد.
- 111- هیچوقت بخاطر لذت کار پر مخاطره ای انجام نداده ام.
- 112- اغلب اوقات احساس می کنم که لازم است در مقابل آنچه که فکر می کنم درست است ایستادگی نمایم.
- 113- اعتقاد به اجرای قانون دارم.
- 114- اغلب اوقات احساس می کنم که یک نوار محکمی دور سرم بسته شده است.
- 115- به زندگی پس از مرگ معتقد هستم.
- 116- از یکبازی و یا مسابقه زمانی بیشتر لذت می برم که بتوانم بر سر آن شرط بندی کنم.
- 117- اکثر مردم درستکار هستند زیرا می ترسند اگر خلاف کنند گیر بیفتند.
- 118- در مدرسه گاهی اوقات مرا به اتاق مدیر می بردند چون غیبت می کردم.
- 119- لحن صحبت کردن من مثل همیشه است (نه تند نه آهسته و بدون گرفتگی)
- 120- آداب غذا خوردن من بر سر سفره زمانیکه در خانه هستم بخوبی زمانیکه خارج از منزل غذا می خورم و یا در حضور مهمانان غریبه هستم نیست.
- 121- معتقدم که بر علیه من نقشه می کشند.

- 122- من مانند سایر اطرافیانم با هوش و با عرضه هستم.
- 123- معتقدم که در تعقیب من هستند.
- 124- بیشتر مردم سعی می کنند که از راههای نادرست منفعت کنند و یا پیشرفت کنند و حاضر به چشم پوشی از این سود و پیشرفت نیستند .
- 125- دچار ناراحتی های شدید معده هستم.
- 126- از نمایش خوشم می آید.
- 127- می دانم چه کسی مسئول بیشتر گرفتاریهای من می باشد.
- 128- دیدن خون باعث ترس و دل بهم خوردگی من نمی شود.
- 129- اغلب اوقات نمی توانستم بفهمم چرا اینقدر عصبانی و بد خلق هستم.
- 130- هیچوقت همراه با استفراغ و یا سرفه خود خون بالا نیاورده ام.
- 131- از گرفتن بیماری و مرض ترس ندارم.
- 132- به جمع آوری گل و رویاندن گیاهان خانگی علاقمند هستم.
- 133- هیچوقت امور جنسی غیر طبیعی انجام نداده ام.
- 134- برخی اوقات افکارم خیلی سریعتر از اینکه بتوانم درباره آنها صحبت کنم جولان داشته اند.
- 135- اگر می توانستم بدون خرید بلیط به سینما بروم و مطمئن بودم کسی مرا نمی بیند احتمالاً اینکار را می کردم.
- 136- اغلب اوقات فکر می کنم اشخاص چه دلیل پنهانی دارند که عملی خوب برای آدم انجام می دهند.
- 137- معتقدم که زندگی خانوادگی من به خوشی زندگی کسانی که می شناسم می باشد.
- 138- انتقاد و سرزنش باعث رنجش شدید من می شوند.

- 139- گاهی اوقات احساس می‌کنم که بایدخودم یا کس دیگری را مجروح نمایم.
- 140- از آشپزی خوشم می‌آید.
- 141- رفتار من خیلی زیاد بستگی به رفتار و عادات اطرافیانم دارد.
- 142- بعضی اوقات احساس می‌کنم شخص بی‌فایده‌ای هستم.
- 143- وقتی بچه بودم عضو یک دسته‌ای بودم که در خوب و بد هم شریک بودیم.
- 144- دوست دارم سرباز بشوم.
- 145- گاهی اوقات دلم می‌خواهد با کسی مشیت بازی کنم.
- 146- علاقه شدیدی به سیر و سیاحت دارم و هرگز خوشحال نیستم مگر اینکه اینطرف و آنطرف مسافرت کنم.
- 147- اغلب اوقات متضرر شده‌ام . چون که نتواستم زود تصمیم بگیرم.
- 148- وقتی سرگرم کارمهمی هستم اگر عقیده‌ای مرا درباره موضوعی بپرسند و یا مزاحم کارم شوند ناراحت می‌شوم.
- 149- در گذشته دفترچه خاطرات می‌نوشتم.
- 150- ترجیح می‌دهم در بازی برنده شوم تا بازنده.
- 151- کسی می‌خواهد مرا مسموم کند.
- 152- اغلب شبها بدون افکار ناراحت کننده بخواب می‌روم.
- 153- در ظرف چند سال گذشته اغلب اوقات سلامت بوده‌ام.
- 154- هرگز حالت غش و تشنج نداشته‌ام.
- 155- وزنم نه زیاد و نه کم می‌شود.

- 156- گاهی از من اعمالی سرزده که بعداً که راجع به آنها فکر کرده ام نفهمیدم که چطور این اعمال از من سرزده است.
- 157- احساس می کنم اغلب بی جهت تنبیه شده ام.
- 158- خیلی به آسانی گریه ام می گیرد.
- 159- نمی توانم آنچه را که می خوانم مثل سابق بفهمم.
- 160- هرگز حالم بخوبی حالت فعلی نبوده است.
- 161- گاهی اوقات مثل این است که مغز سرم نرم است.
- 162- از اینکه اقرار کنم که کسی توانسته است سر مرا کلاه بگذارد بسیار ناراحت می شوم.
- 163- زودخسته نمی شوم.
- 164- دوست دارم راجع به کارهایی که انجام می دهم مطالعه کنم.
- 165- دوست دارم اشخاص مهم را بشناسم زیرا احساس اهمیت می کنم.
- 166- وقتی از جایی مرتفع به زمین نگاه می کنم دچار ترس می شوم.
- 167- ازاینکه بعضی از افراد خانواده ام دچار گرفتاری با مراجع قانونی شوند ناراحت می شوم.
- 168- مغزم درست کار نمی کند.
- 169- از محاسبه دخل و خرج و صرف پول ناراحت نیستم.
- 170- آنچه دیگران درباره من فکری کنند مرا ناراحت نمی کند .
- 171- از دلچک بازی در مجلس مهمانی ناراحت می شوم حتی اگر سایرین این نوع اعمال را انجام دهند.
- 172- اغلب باید خودم جدال کنم که نشان ندهم خجالتی هستم.
- 173- از مدرسه خوشم می آید.

- 174- هیچوقت از حال نرفته ام.
- 175- بندرت و یا هرگز دچار سرگیجه نشده ام.
- 176- از مار ترس زیاد ندارم.
- 177- مادرم زن خوبی است (بود).
- 178- حافظه ام بنظر خوب می آید.
- 179- درباره امور جنسی مضطرب هستم.
- 180- برایم مشکل است با کسانی که تازه با آنها آشنا شده ام گفتگو کنم.
- 181- وقتی حوصله ام سر می رود دلم می خواهد شور و شر بپا کنم.
- 182- می ترسم دیوانه بشوم.
- 183- با پول دادن به فقرا مخالف هستم.
- 184- اغلب اوقات صدا می شنوم بدون اینکه بدانم از کجا می آید.
- 185- قوه شنوایی من ظاهراً بخوبی سایر مردم است.
- 186- اغلب اوقات متوجه می شوم وقتی می خواهم کاری انجام دهم دستم می لرزد.
- 187- دستانم شل و بی اراده نشده اند.
- 188- می توانم مدت مدیدی بدون اینکه چشمانم خسته شوند کتاب بخوانم.
- 189- اغلب اوقات کاملاً احساس خستگی می کنم.
- 190- خیلی کم دچار سردرد می شوم.
- 191- گاهی اوقات وقتی ناراحت می شوم عرق نامطبوعی که باعث ناراحتی بیشترم می شود به من دست می دهد.
- 192- هیچگونه ناراحتی در مورد حفظ موازنه بدنم هنگام راه رفتن نداشته ام.
- 193- ناراحتی آسم و یا حساسیت دیگری که باعث حمله آسم بشود نداشته ام.

- 194- گاهگاهی دچار حملاتی شده ام که ضمن آن نتوانسته ام کنترل حرکات و
صحتتم را داشتم به باشم
در حالیکه متوجه آنچه در اطرافم گذشته است بوده ام.
- 195- تمام اشخاصی را که می شناسم دوست ندارم.
- 196- دوست دارم جاهایی را که قبلاً نبوده ام ببینم.
- 197- کسی می خواسته از من دزدی کند.
- 198- خیلی کم در عالم خیال فرو می روم.
- 199- به کودکان باید حقایق امور جنسی را یاد داد.
- 200- اشخاصی هستند که سعی دارند افکار و عقاید مرا بدزدند.
- 201- دلم می خواست اینقدر خجالتی نبودم.
- 202- فکر می کنم آدم بخت برگشته ای هستم.
- 203- اگر خبرنگار بودم خیلی دلم می خواست اخبار تئاتر را گزارش می دادم.
- 204- دلم می خواست روزنامه نگار بودم.
- 205- گاهی اوقات برایم غیرممکن است از دزدیدن اشیاء خودداری نمایم.
- 206- خیلی بیشتر از سایر مردم مذهبی هستم.
- 207- از انواع بازیها و تفریحات لذت می برم.
- 208- دوست دارم که سر به سردیگران بگذارم.
- 209- فکر می کنم که گناهانم غیر قابل بخشش هستند.
- 210- همه چیز برایم یک مزه را می دهد.
- 211- می توانم روزها بخوابم ولی شبها خوابم نمی برد .
- 212- خانواده ام رفتارشان با من مثل یک بچه است نه مثل یک بزرگسال.
- 213- ضمن راه رفتن دقت می کنم روی شکاف پیاده رو قدم نگذارم.

- 214- هیچوقت بدنم جوش نزده است که باعث نگرانی من بشود.
- 215- الکل زیاد مصرف کرده ام.
- 216- در خانواده من با مقایسه با سایر خانواده ها علاقه و عشق خیلی کم وجود دارد.
- 217- اغلب اوقات درباره موضوعی دلواپس هستم.
- 218- ازدیدن ناراحتی و رنج حیوانات ناراحت نمی شوم.
- 219- فکر می کنم از شغل کنتراتیجی ساختمان خوشم بیاید.
- 220- مادرم را خیلی دوست داشتم (دارم).
- 221- از علوم خوشم می آید.
- 222- برایم مشکل نیست از کمک دوستانم استمداد جویم درحالیکه نمی توانم کمک آنها را تلافی کنم.
- 223- از شکارکردن خیلی زیاد لذت می برم.
- 224- پدر و مادرم اغلب اوقات نسبت به اشخاصی که با آنها معاشرت می کردم اعتراض می کرده اند.
- 225- گاهی پشتم مردم حرف می زنم.
- 226- بعضی از افراد خانواده ام عاداتی دارند که باعث ناراحتی و عصبانیت زیاد من می شوند.
- 227- به من گفته اند که در خواب راه می روم.
- 228- گاهی اوقات احساس می کنم که بطور غیر عادی خیلی آسان می توانم تصمیم بگیرم.
- 229- دلم می خواهد که عضو چند گروه و انجمن مختلف بشوم.

- 230- هیچوقت احساس نمی کنم که قلبم می زند و خیلی بندرت هم احساس تنگی نفس می کنم .
- 231- دوست دارم راجع به امور جنسی صحبت کنم.
- 232- به من یک برنامه زندگی که مبتنی بر وظیفه است الهام شده که با کمال دقت آنرا دنبال می کنم.
- 233- گاهی اوقات سد راه کسانی که می خواستند کاری انجام دهند شده ام نه برای اینکه مهم بوده بلکه برای اینکه وظیفه خود می دانستم.
- 234- خیلی زود عصبانی می شوم و خیلی زود آرام می گیرم.
- 235- شخص مستقلاً هستم و زیاد تحت تأثیر قوانین فامیلی نبوده ام.
- 236- خیلی وقت ها اوقاتم تلخ است و زیاد حرص می خورم.
- 237- خویشاوندانم تقریباً همگی با من همدردی دارند.
- 238- گاهی دچار عدم آرامش شدید می شوم بطوریکه مدت طولانی نمی توانم روی صندلی بنشینم.
- 239- در عشق نا امید شده ام.
- 240- هیچوقت راجع به قیافه ام ناراحت نبوده ام.
- 241- درباره موضوعاتی که بهتر است محرمانه نزد خودم بماند زیاد خواب می بینم.
- 242- احساس می کنم که زیاد تر از سایرین عصبی نیستم.
- 243- جایی از بدنم درد نمی کند.
- 244- اعمال من معمولاً بوسیله دیگران سوء تعبیر می شوند.
- 245- پدر و مادر و سایر اعضای خانواده من بیشتر از آنچه که باید و شاید از من عیب می گیرند.

- 246- در روی سطح گردن من بیشتر اوقات لکه های قرمز پیدا می شوند.
- 247- دلیل دارم که نسبت به یک یا چند نفر از افراد خانواده ام حسادت کنم.
- 248- گاهی اوقات بدون هیچگونه دلیلی، و حتی هنگامی که اوضاع ناچور است احساس نشاط فراوان می کنم.
- 249- به شیطان و جهنم بعد از مرگ اعتقاد دارم.
- 250- کسانی را که به هر قیمت بخواهند خواسته هایشان را در دنیا بدست بیاورند را ملامت نمی کنم .
- 251- گاهی اوقات دچار حالاتی شده ام که کاری متوقف مانده و از آنچه که در
اطرافم گذشت _____ ته اس_____ت
بی اطلاع بوده ام.
- 252- کسی اهمیتی نمی دهد چه بر سر من می آید.
- 253- می توانم با کسانی که بنظر من اعمالشان اشتباه است دوستی بکنم.
- 254- دوست دارم با جمعی باشم که با هم شوخی و مزاح می کنند.
- 255- گاهی درانتخابات به کسانی رأی می دهم که درباره آنها خیلی کم اطلاع دارم.
- 256- جالب ترین قسمت روزنامه بخش فکاهیاتش است.
- 257- معمولاً انتظار دارم در کارهایی که انجام می دهم موفق بشوم.
- 258- معتقدم که خدا وجود دارد.
- 259- برایم مشکل است کاری را شروع کنم.
- 260- در مدرسه شاگرد تنبلی بودم.
- 261- اگر نقاش بودم دوست داشتم گل بکشم.
- 262- از اینکه خوش صورت نیستم ناراحت نمی باشم.

- 263- خیلی زود عرق می کنم حتی در روزهای سرد.
- 264- کاملاً بخودم اطمینان دارم.
- 265- راه مطمئن این است که به کسی اعتماد نکرد.
- 266- هفته ای یکبار یا بیشتر به هیجان می آیم.
- 267- وقتی در جمعی هستم برایم مشکل است درباره حرفهای نامناسب صحبت کنم.
- 268- وقتی اوقاتم تلخ است معمولاً واقعه ای مهیج مرا از آن حالت بیرون می آورد.
- 269- به آسانی می توانم سایرین را از خود بترسانم و گاهی اینکار را برای تفریح انجام می دهم.
- 270- وقتی از منزل خارج می شوم نگران نیستم که آیا در و پنجره بسته هستند.
- 271- من شخصی را که سر دیگری کلاه بگذارد مشروط بر اینکه این فرد خودش را در معرض کلاه گذاری قرار داده است ملامت نمی کنم.
- 272- گاهی اوقات سرشار از انرژی و نیرو هستم .
- 273- برخی از نقاط پوست بدنم بدون احساس هستند.
- 274- نور چشمانم مثل چند سال پیش خوب است.
- 275- کسی روی فکر من کنترل دارد.
- 276- از کودکان خوشم می آید .
- 277- گاهی اوقات از زرنگی یک حقه بازخوشم آمده است که دلم می خواست او از دام خلاصی یابد.

278- اغلب اوقات احساس کردم که غریبه ها با نظر عیب جویی به من نگاه می کنند .

279- هر روز مقدار زیادی آب می نوشم.

280- اغلب مردم دوست پیدا می کنند زیرا دوست ممکن است برایشان مفید واقع شود.

281- بندرت احساس می کنم که گوشم زنگ بزند یا صدا کند.

282- گاهی اوقات نسبت به افراد فامیلم که دوستشان دارم احساس نفرت می کنم.

283- اگر خبرنگار بودم خیلی دوست داشتم اخبار ورزشی را گزارش کنم.

284- مطمئن هستم که پشت سرم حرف می زنند.

285- گاهی اوقات به یک شوخی خارج از نزاکت می خندم.

286- هر وقت تنها هستم از همه اوقات خوشحالترم.

287- نسبت به دوستانم خیلی کمتر از چیزهای مختلف می ترسم.

288- از حالات دل بهم خوردگی و تهوع رنج می برم.

289- وقتی می بینم جنایتکاری بوسیله یک وکیل زبردست از مجازات خلاصی می یابد از قانون بیزار میشوم.

290- زیر فشار روحی فشار روحی خیلی زیاد می توانم کار بکنم.

291- یکی دوبار در زندگی احساس کرده ام که کسی می خواسته است بوسیله هیپنوتیزم مرا به کاری وادار کند.

292- معمولاً با مردم حرف نمی زنم مگر اینکه آنها با من صحبت کنند.

293- کسی سعی می کند در فکر من نفوذ کند.

294- هرگز کاری نکرده ام که به چنگ قانون بیفتم.

- 295- کتاب افسانه کودکان را دوست داشتم.
- 296- گاهگاهی بدون هیچگونه دلیل بخصوص احساس سرحال بودن می کنم.
- 297- دلم می خواست بوسیله افکارجنسی ناراحت نمی شدم.
- 298- چنانچه چند نفر دچار مشکلی شوند بهتراست همگی بر سر موضوع متفق الرأی شوند و یکجور اظهار نظرکنند.
- 299- خیال می کنم من بیشتر از سایر مردم حساس باشم.
- 300- هیچوقت در زندگی از عروسک بازی خوشم نمی آمد.
- 301- بیشتر اوقات زندگی برایم فشار است.
- 302- هرگز به علت رفتارجنسی خودم در زحمت و اشکال نیفتاده ام.
- 303- نسبت به بعضی از موضوعات بطوری حساسیت دارم که نمی توانم درباره آنها گفتگو کنم.
- 304- در مدرسه برایم صحبت کردن در مقابل کلاس خیلی مشکل بود.
- 305- حتی وقتی با سایرین هستم بیشتر اوقات احساس تنهایی می کنم.
- 306- هر چه دلسوزی لازم دارم اطرافیانم برایم می کنند.
- 307- از شرکت کردن در بعضی از بازیها امتناع می کنم زیرا آنها را خوب بلد نیستم.
- 308- بعضی اوقات خیلی دلم می خواست خانه و زندگی خودم را ترک کنم.
- 309- من مانند سایرین در دوست یابی موفق هستم.
- 310- زندگی جنسی من رضایت بخش است.
- 311- وقتی بچه بودم دست به دزدیهای کوچک می زدم.
- 312- خوشم نمی آید مردم در اطرافم باشند .

- 313- کسی که اشیاء گران قیمت را بدون توجه در ملاءعام می گذارد همان قدر باید ملامت بشود که کسی که دست به دزدی این اشیاء می زند.
- 314- گاهی درباره موضوعاتی که صحبت کردن راجع به آنها خوب نیست فکرمی کنم.
- 315- مطمئن هستم در زندگی مغبون شده ام.
- 316- فکرمی کنم تقریباً همه کس برای فرار از گرفتاری به دروغ متوسل بشود.
- 317- از سایر مردم حساس تر هستم.
- 318- زندگی روزانه پر از وقایعی است که باعث سرگرمی من می شوند.
- 319- اغلب مردم واقعاً دوست ندارند برای کمک به دیگران خودشان را در زحمت بیاندازند.
- 320- اغلب خوابهای من درباره موضوعات جنسی هستند.
- 321- خیلی زود دستپاچه می شوم.
- 322- درباره پول و تجارت و کارم نگران هستم.
- 323- تجربیات عجیب و غریبی در زندگی خود داشته ام.
- 324- هرگز عاشق کسی نشده ام.
- 325- اعمالی که برخی از اعضاء خانواده ام انجام داده اند باعث ترس و وحشت من شده اند.
- 326- گاهی اوقات حالات خنده شدید و یا گریه به من دست می دهد که از کنترل آن عاجز هستم.
- 327- پدر و مادرم اغلب اوقات مرا وادار به اطاعت می کردند حتی هنگامی که حرفها و امر آنها غیرمنطقی بود.
- 328- برایم مشکل است فکرم را روی کاری و یا شغلی متمرکز کنم.

- 329- تقریباً هیچوقت خواب نمی بینم.
- 330- من هیچگاه دچار ضعف و فلج عضلانی نشده ام.
- 331- اگر دیگران در کار من دخالت و کارشکنی نمی کردند در زندگی بیشتر موفق بودم.
- 332- بعضی اوقات بدون آن که سرما خورده باشم صدایم می گیرد و قادر به صحبت کردن نمی باشم.
- 333- در زندگی هیچکس مرا درک نمی کند.
- 334- بعضی اوقات بوهای ناآشنا بخصوصی به مشام می رسد.
- 335- نمی توانم فکر خود را بر روی یک موضوع متمرکز کنم.
- 336- صبر و حوصله خود را در مقابل دیگران به سرعت از دست می دهم.
- 337- بیشتر اوقات در ارتباط با شخصی و یا چیزی احساس اضطراب می کنم.
- 338- اطمینان دارم که در زندگی بیشتر از سهم خودسختی کشیده ام.
- 339- اکثراً آرزو می کنم که ای کاش مرده بودم.
- 340- بعضی اوقات هیجان زده هستم که به سختی بخواب می روم.
- 341- گاهی اوقات اصوات را آنچنان خوب و واضح می شنوم که باعث نگرانی می شود.
- 342- مطالبی را که دیگران به من می گویند به سرعت فراموش می کنم.
- 343- من در ابتدا باید صبر و تعمق کنم و سپس تصمیم بگیرم حتی در مسائل و موضوعات بسیار جزئی .
- 344- اغلب اوقات مسیر خود را در خیابان هنگامی که آشنایی رامی بینم عوض می کنم.
- 345- غالباً احساس می کنم که اشیاء صورت حقیقی ندارند.

346- عادت دارم اشیائی را که مهم نیستند مثل لامپ ، چراغ ، و یا علامت نئونها را بشمارم.

347- من دشمنی را که واقعاً بخواهد به من آسیب برساند را ندارم .

348- من در مواجهه با اشخاصی که بیشتر از انتظار من رفتار دوستانه دارند حالت دفاعی بخود می گیرم.

349- افکار بخصوص و عجیب و غریبی دارم.

350- زمانی که تنها هستم صداهای عجیبی می شنوم.

351- زمانی که قصد دارم به مسافرت کوتاهی بروم مضطرب و ناراحت می شوم.

352- از اشخاص و یا چیزهایی که می دانم نمی توانند به من صدمه ای بزنند می ترسم.

353- ترسی از داخل شدن در اطاقی که قبلاً در آن گروهی اجتماع کرده و مشغول به حرف زدن هستند را ندارم.

354- از استعمال کارد و یا هر شیئی که تیز و برنده باشد می ترسم.

355- گاهی اوقات از آزار دادن کسانی که دوستشان دارم لذت می برم.

356- به نظر می رسد که من بیشتر از دیگران در تمرکز دچار اشکال هستم.

357- چندین بار از انجام کاری خودداری کرده ام زیرا احساس نموده ام که لیاقت آن را ندارم.

358- کلمات زشت و گاهی اوقات وحشتناک که به مخیله من خطور می کند و نمی توانم ازدست آنها خلاص شوم.

359- گاهی اوقات افکار بی اهمیتی از ذهن من می گذرد که مرا برای چندین روز آزرده می سازد.

360- تقریباً هر روز اتفاقی برآیم می افتد که مرا متوحش می سازد.

- 361- معمولاً از جریانات روزمره ناراحت می شوم.
- 362- من بیشتر از دیگران حساس هستم.
- 363- گاهی اوقات رنج کشیدن از طرف کسانی که دوستشان دارم باعث لذت من شده است.
- 364- دیگران راجع به من (در مورد من) مطالب زننده و توهین آمیزی را ابراز می دارند.
- 365- در داخل فضای بسته ای مثل اطاق احساس ناراحتی می کنم.
- 366- اغلب حتی وقتی که با دیگران هستم احساس تنهایی می کنم.
- 367- من معمولاً خجالتی هستم.
- 368- بعضی اوقات فکر من کندتر از حد معمول کار می کند.
- 369- اغلب در مهمانی ها یا تنها می نشینم و یا حداکثر در کنار یک نفر ، و از ملحق شدن به سایرین اجتناب می کنم.
- 370- اغلب مردم باعث دلسردی من می شوند.
- 371- من علاقه زیاد به میهمانی رفتن دارم.
- 372- بعضی اوقات احساس می کنم که مشکلات آنقدر انبوه و جمع شده اند که از عهده حل آنها عاجز می باشم.
- 373- آرزو می کنم کاش می توانستم یک بچه باشم.
- 374- اگرچه من موقعیتی داده شود می توانم عمل خارق العاده سودمندی را برای جهانیان انجام دهم.
- 375- من در مقایسه با افرادی که خود را در زمینه ای صاحب نظر می دانند خود را کمتر نمی دانم.

376- خبر موقعیت افرادی که می شناسم ، در من ایجاد ضعف و شکست می کند.

377- اگر شانس و موفقیتی به من داده شود می توانم رهبر بسیارخوبی باشم.

378- داستانهای مستهجن مرا خجل و شرمنده می سازد.

379- مردم معمولاً برای حقوق خود احترام بیشتری قائل هستند تا برای حقوق دیگران .

380- سعی می کنم داستانها و نکات جالب را بخاطر بسپارم و برای دیگران بازگو کنم.

381- من از شرط بندیهای کوچک لذت می برم.

382- از دور هم جمع شدن بخاطر بودن با مردم لذت می برم.

383- من از هیجانی که در گروه و اجتماعات ایجاد می شود لذت می برم.

384- زمانی که به دوستان سرزنده و پرنشاطم ملحق می شوم نگرانی هایم از بین می رود.

385- غالباً در صحبت هایی که در پشت سر کسانی که می شناسم زده می شود شرکت نمی کنم.

386- مشکل است برایم کاری را که شروع می کنم برای مدت کوتاهی متوقف کنم.

387- من در شروع و کنترل ادرار هیچ مشکلی ندارم.

388- غالباً مردم به افکارخلاق من حسادت می ورزند زیرا که قبلاً به ذهن آنها نرسیده است.

389- در صورت امکان از اجتماعات دوری می جویم.

390- من در ملاقات با افراد بیگانه مشکلی ندارم.

- 391- بباد می آورم که گاهی اوقات تظاهر به بیماری از انجام کاری خودداری کرده ام.
- 392- اغلب در اتوبوس یا قطار با افراد بیگانه صحبت می کنم.
- 393- وقتی با شرایط سخت و دشواری روبرو می شوم خیلی زود دست از کار می کشم.
- 394- دوست دارم که دیگران موضع مرا در مسایل بدانند.
- 395- گاهی اوقات آنقدر سرشار از انرژی هستم که احساس می کنم تا چند روز احتیاج به خواب ندارم.
- 396- هرگاه در جمعی از من خواسته شود در مورد موضوعی که به آن آگاه هستم صحبت و یا اظهار عقیده بنمایم دچار خجالت نمی شوم.
- 397- من از مهمانی و دور هم جمع شدن لذت می برم.
- 398- در مقابل بحرانها و مشکلات آب می شوم.
- 399- اگر به نظر دیگران کاری را که قصد انجامش را دارم بی ارزش جلوه کند حاضرم از آن صرف نظر نمایم.
- 400- از آتش نمی ترسم.
- 401- هیچ ترسی از آب ندارم.
- 402- قبل از انجام هر کاری باید راجع به آن فکر کنم.
- 403- زندگی در این دوره از زمان به دلیل اتفاقاتش برایم دلپذیر است.
- 404- زمانیکه سعی دارم به دیگران نصیحت و کمک نمایم، منظور من اغلب بدتلقی می شود.
- 405- مشکلی در بلع ندارم.
- 406- معمولاً بسیار آرام هستم و به سختی عصبانی می شوم.

- 407- معمولاً بسیار آرام هستم و به سختی عصبانی می شوم.
- 408- من در پنهان کردن احساس خود تا اندازه ای قادر می باشم، که دیگران نادانسانس_____ته
می توانند به من آسیب برسانند.
- 409- گاهی اوقات به دلیل پذیرفتن مسئولیت بیش از حد کارها ، خود را شدیداً خسته می کنم.
- 410- من از شکست دادن دیگران در کارهایشان احساس لذت می کنم.
- 411- مذهب در من ایجاد نگرانی نمی کند.
- 412- زمانی که صدمه دیده و یا مجروح شده ام از مراجعه به پزشک واهمه ای ندارم.
- 413- من مستحق تنبیه های شدید برای گناهانم هستم.
- 414- آنقدر سرخوردگی را به راحتی تحمل می کنم که گاهی اوقات بیرون راندن آنها ازفکرم به آسانی امکان پذیر نیست.
- 415- از اینکه در هنگام کار مجبور به شتاب و عجله شوم متنفرم.
- 416- زمانیکه می توانم کاری را به درستی انجام دهم اگر کسی مرا تحت نظر داشته باشد ناراحت می شوم.
- 417- هر گاه مجبور شوم به شخصی که سعی دارد در صف از من جلو بزند تذکر دهم، ناراحت می شوم.
- 418- گاهی اوقات فکر می کنم به درد هیچ چیز نمی خورم.
- 419- اغلب اوقات دردوران تحصیل فوتبال بازی می کردم.
- 420- در گذشته تجارب مذهبی بسیار عجیب و غریبی داشته ام.
- 421- یک یا چند نفر ازاعضاء خانواده عصبی هستند.

- 422- از کارهای یک یا چند نفر از اعضای خانواده ام به شدت خجالت کشیده ام.
- 423- ماهیگیری را در گذشته و حال بسیار دوست دارم.
- 424- همیشه احساس گرسنگی می کنم.
- 425- اکثراً خواب می بینم.
- 426- مجبورم با افراد بی ادب و مردم آزار برخورد تندی داشته باشم.
- 427- ترجیح می دهم علائق متفاوتی داشته باشم تا اینکه یک علاقه را برای مدت طولانی داشته باشم.
- 428- مایلم سرمقاله روزنامه ها را مطالعه کنم.
- 429- مایلم در کنفرانس هائی که در زمینه مسائل مهم تشکیل می شود شرکت نمایم.
- 430- به جنس مخالف خود گرایش دارم.
- 431- از اتفاقات اجتماعی بد احساس نگرانی شدیدی دارم.
- 432- عقاید سیاسی شدیدی دارم.
- 433- من به یک همبازی خیالی عادت دارم.
- 434- دوست داشتم راننده مسابقه های اتومبیل رانی باشم.
- 435- اغلب ترجیح می دهم با خانمها کار کنم.
- 436- مطمئنم که کاملاً یک مذهب واقعی وجود دارد.
- 437- تخطی از قانون به شرطی که آن را کاملاً نقض نمائیم، به نظر من اشکالی ندارد.
- 438- هرگاه افرادی که قبلاً آنها را دوست ندارم عمل خلافی انجام دهند و دچار گرفتاری شـوند،
احساس لذت می کنم.

- 439- از انتظار کشیدن مضطرب می شوم.
- 440- در زمانیکه شاد و فعال هستم یک فرد افسرده می تواند شادی و فعالیت مرا از بین ببرد.
- 441- زنان قد بلند را دوست دارم.
- 442- گاهی اوقات به دلیل اضطراب هایم قادر به خوابیدن نبوده ام.
- 443- من راضی هستم از کارهایی که مایل به انجام آنها هستم ولی دیگران احساس می کنند قادر به انجام صحیح آن نمی باشم دست بکشم.
- 444- من کوششی در تصحیح عقاید افراد نادان نمی کنم.
- 445- در دوران کودکی خود علاقه زیادی به هیجانانگیز داشته ام.
- 446- افراد پلیس انسانهای صدیقی هستند.
- 447- علاقمند هستم که نقطه نظرات خود را در مقابل شخصی که نقطه نظر مخالفی با من دارد، به هر قیمتی ثابت کنم.
- 448- از دست افرادی که در خیابانها و مغازه ها مرا نظاره و تماشای کنند ناراحت می شوم.
- 449- سیگار کشیدن خانمها را دوست ندارم.
- 450- بندرت دچار غمگینی و ناراحتی می شوم.
- 451- صحیح می دانم فردی را که اظهار نظر احمقانه و جاهلانه ای را ابراز می دارد ، ادب کنم.
- 452- دوست دارم دست بیاندازم.
- 453- در دوران کودکی اهمیتی به اینکه عضو گروه و یا دسته ای باشم نمی دادم.

- 454- از اینکه در کلبه ای در کوهستان و یا جنگل تنها باشم ، می توانم احساس خوشحالی فراوان کنم.
- 455- اغلب گفته می شود که شخص طغیانگری هستم.
- 456- هرگاه شخصی قانونی را به دلیل منصفانه نبودن آن بشکند نباید تنبیه گردد.
- 457- اعتقاد من بر این است که افراد هیچگاه نباید مشروب الکلی بنوشند.
- 458- کسی که در کودکی مرا تربیت می کرده است ، بسیار خشک و مقرراتی بوده است (مثل پدر- پدربزرگ).
- 459- برخی از عادات ناپسندم چنان در من نفوذ کرده اند که هر نوع کوششی جهت ترک آنها بیهوده است.
- 460- گاهی اوقات مشروب الکلی نوشیده ام. (یا هرگز ننوشیده ام)
- 461- ای کاش می توانستم به دلیل گفتن مطالبی که دیگران را آزرده کرده ام ، از نگرانی رهایی یابم.
- 462- احساس می کنم در بازگو کردن تمامی آنچه در مورد خود می دانم به فرد دیگری ضعیف هستم.
- 463- در گذشته بازی الاکلنگ رادوست داشته ام.
- 464- هیچگاه در زندگی خود شبحی ندیده ام.
- 465- چندین بار عقاید خود را نسبت به کارهایم در زندگی تغییر داده ام.
- 466- هیچگاه دارو یا قرص خواب آوری به جز مواردی که پزشک دستور داده مصرف نکرده ام.
- 467- اصولاً شماره هایی را در ذهن بخاطر می سپارم که اهمیتی برایم ندارد. (مثل شماره پلاک اتومبیل).

- 468- از عصبانی مزاج و خشمگین بودن خود بسیار احساس تأسف می کنم.
- 469- یکی از بزرگترین ترسهای من رعد و برق است.
- 470- از مسائل جنسی به شدت متنفرم.
- 471- نمرات دوران تحصیلی من همیشه پایین بوده است.
- 472- آتش مرا جذب خود می کند.
- 473- علاقه مندم دیگران کارهایم را دائماً حدس بزنند.
- 474- بیشتر از دیگران به دستشویی نمی روم.
- 475- زمانی که اجبار به گفتن مطلبی را دارم تنها قسمتی از حقیقت را که به ضررم نیست بیان می کنم.
- 476- من نماینده مخصوص خداوند هستم.
- 477- وقتی که من به همراه دوستانم در خطائی شریک هستیم ، و باید سرزنش شویم ، ترجیح می دهم که تمامی تقصیرها را بعهده گیرم.
- 478- هنگامی که یکی از افراد خانواده ام با مشکلی مواجه می شوند دچار اضطراب نمی شوم.
- 479- به تنها معجزه ای که اعتقاد دارم کلک هایی است که مردم به یکدیگر می زنند.
- 480- از تاریکی وحشت دارم.
- 481- از تنهایی در تاریکی وحشت دارم.
- 482- در نقشه هایی که برای زندگی خود می کشم آنقدر دچار مشکل می شوم که اکثراً مجبور به رها کردن آنها می باشم.
- 483- حضرت عیسی با معجزه خود توانست شراب را به آب تبدیل کند.

484- چندین نقص بزرگ در خودمی بینم و این نقایص به حدی بزرگ هستند که
تـرجیح

می دهم آنها را پذیرفته و کنترل نمایم تا اینکه در خلاصی از آنها بکوشم.

485- زمانیکه مردان در ارتباط با زنان قرار دارند بیشتر درباره مسایل جنسی با
آنها فکر می کنند.

486- در ادرار خود هیچگاه خون ندیده ام.

487- هنگامیکه سعی دارم شخصی را به خطایش آگاه سازم احساس بدی به
من دست می دهد .

488- هر هفته چندین بار به درگاه خداوند دعا می کنم.

489- نسبت به کسانی که غم و درد دارند احساس همدردی می کنم.

490- در هفته چندین بار قرآن (انجیل ، تورات) می خوانم.

491- در مقابل اشخاصی که معتقدند تنها یک مذهب واقعی وجود دارد کم
طاقت می شوم.

492- از تصور وقوع زلزله ناراحت می شوم.

493- کارهایی را که احتیاج به دقت فراوان دارند به کارهایی که نمی توان در آنها بی
دقتی نمود ترجیح می دهم.

494- از بودن در مکانهایی که کوچک و در بسته هستند بیم دارم.

495- نظریات خود را در تصحیح نظریه های دیگران صریحاً بیان می دارم.

496- هیچگاه اشیائی را دوتایی ندیده ام (منظور اشیائی هستند که یک صورت
واقعی دارند).

497- داستانهای پرماجرا را دوست دارم.

498- همیشه دوستانه برخورد کردن با دیگران یک خصلت بسیار خوبی است.

499- باید اعتراف کنم گاهی اوقات درباره مسائل بسیار کم اهمیت ، نگرانی های فراوانی داشته ام.

500- من یک ایده خوب را صد در صد و بدون هیچ تردیدی می پذیرم.

501- ترجیح می دهم معمولاً مشکلات خود را بدون کمک دیگران و به اتکاء خود حل نمایم.

502- طوفان مرا وحشت زده می کند.

503- راجع به تأیید و یا تکذیب رفتار دیگران اظهار نظر مستقیم نمی کنم.

504- به دلیل شخصی از عقیده منفی من نسبت به خودآگاه نشود سعی در پنهان نمودن عقیده خود نمی کنم.

505- اسبهایی که بار نمی کشند می بایستی کتک زده و تنبیه شوند.

506- من فردی سخت کوش هستم.

507- با اشخاصی همکاری داشته ام که موقعیتها را از آن خود دانسته و شکستها را به دیگران نسبت داده اند.

508- من اعتقاد دارم که حس بویایی من بخوبی حس بویایی دیگران است.

509- پافشاری نمودن بر چیزی که حق من است برایم دشوار است زیرا فردی خجالتی هستم.

510- کثافت در من ترس و تنفر ایجاد می کند.

511- با دیگران راجع به دنیای تخیلی خود صحبت نمی کنم.

512- علاقه ای به حمام کردن ندارم.

513- تصور می کنم کریم خان زند نسبت به شاه عباس فرد مقتدرتری است.

514- زنانی را که رفتار های مردانه دارند می پسندم.

515- در منزل ما همیشه مواد ضروری و اولیه موجود بوده است.(مثل لباس و غذا)

516- بعضی از افراد خانواده ام تندخو هستند.

517- هیچ کاری را نمی توانم انجام دهم.

518- زمانی که بیش از حد باید نسبت به موضوعی تظاهر به غمگینی بنمایم اغلب احساس گناه می کنم.

519- دستگاه جنسی من دارای نقایصی است.

520- من به شدت از عقیده خود دفاع می کنم.

521- به ندرت با دیگران صلاح و مشورت می نمایم.

522- از عنکبوت نمی ترسم.

523- هیچگاه از فرط خجالت سرخ نمی شوم .

524- از اینکه بیماری وی میکروبی بر اثر تماس با دستگیره در بگیرم هراسی ندارم.

525- بعضی از حیوانات مرا عصبی می کنند.

526- بنظر من آینده نا امید کننده است.

527- دوستان و افراد خانواده ام با یکدیگر تفاهم کامل دارند.

528- بیشتر از آنکه دیگران سرخ شوند ، سرخ نمی شوم.

529- علاقمندم لباسهای گران قیمت بپوشم.

530- ازاینکه بر اثرخجالت سرخ شوم هراسی ندارم.

531- دیگران براحتی می توانند عقیده ای را که محکم تصور می کردم تغییر دهند.

532- تحمل درد من به اندازه دیگران است.

- 533- ترش و نفخ کردن مرا اذیت نمی کند.
- 534- آخرین فردی هستم که در انجام امور دست از کار بر می دارم.
- 535- دائماً در دهانم احساس خشکی می کنم.
- 536- زمانیکه دیگران باعث شتاب زدگی من می شوند عصبانی می شوم.
- 537- دوست دارم به شکار شیر در آفریقا بروم.
- 538- تصور می کنم از کار خیاطان خوشم می آید.
- 539- از موش نمی ترسم.
- 540- هیچگاه صورت من فلج نشده است.
- 541- به نظر می آید به طرز غیر عادی پوستی حساس دارم.
- 542- هیچگونه علائم غیر عادی درمدفوع خود نمی بینم.
- 543- در هفته چندین بار احساس می کنم واقعه ای شوم در حال رخ دادن است.
- 544- در اکثر مواقع احساس خستگی می کنم.
- 545- گاهی اوقات یک خواب راچندین بار می بینم.
- 546- علاقمندم در مورد تاریکی مطالعه کنم.
- 547- آینده برای اشخاصی که نقشه های جدی طرح می کنند بسیار نامطمئن است.
- 548- سعی می کنم هیچگاه به نمایشات مستهجن نروم.
- 549- احساس می کنم هیچ چیز برایم اهمیت ندارد حتی در زمانیکه کارهایم بخوبی پیش می روند.
- 550- علاقمندم لولاهای درب را تعمیر نمایم.
- 551- گاهی اوقات اطمینان دارم که دیگران می توانند فکر من را بخوانند.

- 552- علاقمندم درباره علوم مطالعه نمایم.
- 553- از تنهایی در یک فضای باز می ترسم.
- 554- اگر یک نقاش می بودم ، دوست داشتم تصاویر کودکان را ترسیم کنم.
- 555- گاهی اوقات تصور می کنم که از هم پاشیده می شوم.
- 556- در پوشیدن لباس خیلی رعایت می کنم.
- 557- علاقمندم سکرتر خصوصی باشم.
- 558- در ارتباط با رفتارهای نادرست جنسی ، عده کثیری از مردم احساس گناه می کنند.
- 559- اغلب در نیمه های شب می ترسم.
- 560- غالباً بر اثر فراموش کردن چیزی ناراحت می شوم.
- 561- اسب سواری را دوست دارم.
- 562- اکثراً شخصی را که در کودکی به آن وابسته و نزدیک بوده ام تحسین می کنم.(مادر، خواهر ، عمه، خاله و....).
- 563- داستانهای پرماجرا رابیش از داستانهای عاشقانه دوست دارم.
- 564- بسهولت عصبانی نمی شوم.
- 565- زمانی که بر بلندی قرار می گیرم دلم می خواهد خودرا پرت نمایم.
- 566- صحنه های عاشقانه را در فیلمها دوست دارم.

پاسخنامه آزمون چند وجهی شخصیت مینه سوتا M.M.P.I

بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	
00542	00515	00488	00461	00434	00407	00380	00353	00326	00299	00272	00245	00217	00190	00163	00136	00109	0082	0055	0028	001	
00543	00516	00489	00462	00435	00408	00381	00354	00327	00300	00273	00246	00218	00191	00164	00137	00110	0083	0056	0029	002	
00544	00517	00490	00463	00436	00409	00382	00355	00328	00301	00274	00247	00219	00192	00165	00138	00111	0084	0057	0030	003	
00545	00518	00491	00464	00437	00410	00383	00356	00329	00302	00275	00248	00220	00193	00166	00139	00112	0085	0058	0031	004	
00546	00519	00492	00465	00438	00411	00384	00357	00330	00303	00276	00249	00221	00194	00167	00140	00113	0086	0059	0032	005	
00547	00520	00493	00466	00439	00412	00385	00358	00331	00304	00277	00250	00222	00195	00168	00141	00114	0087	0060	0033	006	
00548	00521	00494	00467	00440	00413	00386	00359	00332	00305	00278	00251	00223	00196	00169	00142	00115	0088	0061	0034	007	
00549	00522	00495	00468	00441	00414	00387	00360	00333	00306	00279	00252	00224	00197	00170	00143	00116	0089	0062	0035	008	
00550	00523	00496	00469	00442	00415	00388	00361	00334	00307	00280	00253	00225	00198	00171	00144	00117	0090	0063	0036	009	
00551	00524	00497	00470	00443	00416	00389	00362	00335	00308	00281	00254	00226	00199	00172	00145	00118	0091	0064	0037	0010	
00552	00525	00498	00471	00444	00417	00390	00363	00336	00309	00282	00255	00227	00200	00173	00146	00119	0092	0065	0038	0011	
00553	00526	00499	00472	00445	00418	00391	00364	00337	00310	00283	00256	00228	00201	00174	00147	00120	0093	0066	0039	0012	
00554	00527	00500	00473	00446	00419	00392	00365	00338	00311	00284	00257	00229	00202	00175	00148	00121	0094	0067	0040	0013	
00555	00528	00501	00474	00447	00420	00393	00366	00339	00312	00285	00258	00230	00203	00176	00149	00122	0095	0068	0041	0014	
00556	00529	00502	00475	00448	00421	00394	00367	00340	00313	00286	00259	00231	00204	00177	00150	00123	0096	0069	0042	0015	
00557	00530	00503	00476	00449	00422	00395	00368	00341	00314	00287	00260	00232	00205	00178	00151	00124	0097	0070	0043	0016	
00558	00531	00504	00477	00450	00423	00396	00369	00342	00315	00288	00261	00233	00206	00179	00152	00125	0098	0071	0044	0017	
00559	00532	00505	00478	00451	00424	00397	00370	00343	00316	00289	00262	00234	00207	00180	00153	00126	0099	0072	0045	0018	
00560	00533	00506	00479	00452	00425	00398	00371	00344	00317	00290	00263	00235	00208	00181	00154	00127	00100	0073	0046	0019	
00561	00534	00507	00480	00453	00426	00399	00372	00345	00318	00291	00264	00236	00209	00182	00155	00128	00101	0074	0047	0020	
00562	00535	00508	00481	00454	00427	00400	00373	00346	00319	00292	00265	00237	00210	00183	00156	00129	00102	0075	0048	0021	
00563	00356	00509	00482	00455	00428	00401	00374	00347	00320	00293	00266	00238	00211	00184	00157	00130	00103	0076	0049	0022	
00564	00537	00510	00483	00456	00429	00402	00375	00348	00321	00294	00267	00239	00212	00185	00158	00131	00104	0077	0050	0023	
00565	00538	00511	00484	00457	00430	00403	00376	00349	00322	00295	00268	00240	00213	00186	00159	00132	00105	0078	0051	0024	
00566	00539	00512	00485	00458	00431	00404	00377	00350	00323	00296	00269	00241	00214	00187	00160	00133	00106	0079	0052	0025	
	00540	00513	00486	00459	00432	00405	00378	00351	00324	00297	00270	00242	00215	00188	00161	00134	00107	0080	0053	0026	
	00541	00514	00487	00460	00433	00406	00379	00352	00325	00298	00271	00243	00216	00189	00162	00135	00108	0081	0054	0027	
														00244							